

تأثیر داعش بر ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم دینی خاورمیانه

محمد رضا حاتمی*

چکیده

ظهور داعش در معادلات سیاسی خاورمیانه در طی سالهای بعد از شروع انقلابهای عربی منجر به شکل‌گیری و تعمیق منازعات در دولتهایی دچار بحران از جمله سوریه و عراق شده است. همچنین، علی‌رغم پایان حیات سیاسی داعش در پایان سال با از دست دادن قلمروی سیاسی اش در پایان ۲۰۱۷ در عراق و سوریه، منازعات قومی^۱ مذهبی همچنان مشخصه اصلی محیط سیاسی دولت‌های دچار بحران است، که نشان‌دهنده اثر گذاری نهادینه شده این جریان سیاسی بر فرایندهای سیاسی منطقه است. در این راستا، این سوال اساسی قابل طرح است که، داعش چگونه بر فرایندهای سیاسی خاورمیانه تأثیر گذار بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که، داعش متأثر از احیا و گسترش مفاهیم راست‌گرای دینی، ناسیونالیسم دینی را به متغیر اصلی در دولت‌های دچار بحران تبدیل نموده است. از طرف دیگر، کمشکس قومی- مذهبی برای تصرف سرزمین، منجر به اهمتی یافتن متغیر ژئوپلیتیک در منازعات سیاسی قومی- مذهبی شده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی^۲ تحلیلی بر مبنای روش کیفی، و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: داعش، ناسیونالیسم، ژئوپلیتیک، هویت، خاورمیانه.

۱. مقدمه

تناقض‌نمای حضور و بروز گروه تروریستی داعش و ترکیب سه مولفه مذهب، ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم در شمال عراق و مناطقی از سوریه با بافت جمعیتی متکثر،

*دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور Hatami5@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱

باعث تولید نظریه های مختلف در خصوص ژئوپلیتیک مذهب ، ناسیونالیسم قومی جدید و خلق مفاهیم جدید در این خصوص گردیده است . در حالی که تقریباً تمام حس سمپاتیک نسبت به داعش توسط اعراب سنی صورت گرفته ولی کردهای سنی مذهب ، قومیت را بر مذهب ، ترجیح و موجد ناسیونالیسم قومی ، می باشند . از سوئی تناقض بین قرائت متصلب و یا هیتروداکسی^۱ از اسلام و تعاریف جدید از مفهوم امت و یا ملت ، باعث آشوب فقهی و سرزمینی در عراق و سوریه گشته است . داعش ، علاوه بر در هم ریختن جغرافیای جمعیتی بین‌النهرین ، باعث تقویت دو قطبی شیعه / سنی و باعث ظهور تعارضات هویتی شده است . گروه تروریستی داعش ، از حیث ایدئولوژیکی ، تفاوت اندکی با سایر گروه‌های رادیکال دارد اما از حیث جغرافیایی ، با سایرین تفاوت عمده‌ای دارد ، درحالی‌که گروه‌های تروریستی نظیر القاعده ، مقید به زمان و مکان و فعالیت میدانی در قلمرو مشخص هستند ، داعش توانسته خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که یه مرزبندی و فعالیت در یک جغرافیای مشخص دولت/ ملت ، بی اعتقاد و این مسئله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه می باشد . بنابراین ، ساختار این گروه تروریستی و درنوردیدن زمان و مکان و بازتعریف مفاهیم فقهی و ژئوپلیتیکي مانند سیالیت مرزی و انکار مرزهای جغرافیایی بین کشورعراق و سوریه ، نگرشی است که حتی پس از سقوط این گروه نیز در آینده منطقه و عصبیت قومی / مذهبی حاکم بر آن ، باید مورد مذاقه قرار گیرد . این پژوهش با استعانت از ترکیبی از مولفه های بسط سرزمینی داعش مانند ایدئولوژی / ناسیونالیسم و ژئوپلیتیک ، در صدد نظریه پردازی در خصوص پیوند بین این عناصر در راستای تقویت بنیان های قدرت داعش ، ولو در بازه زمانی محدود ، می باشد . استفاده از مسلمانان دیاسپورا^۲ توسط داعش نیز از برگ های برنده این گروه می باشد . علاوه بر حضور دیاسپورای عرب در جنگ عراق و سوریه ، ناامن کردن فضا در کشورهای غربی ، شبکه سازی و تولید فکر نیز از کارکردهای دیاسپورا در راستای اهداف داعش می باشد . دیاسپورای عرب داعش در اروپا و آمریکا با توجه به آشنائی با عادت واره ، زبان و فرهنگ غرب در دوران پسا داعش نیز می تواند یکی از چلشهای امنیتی غرب باشد . به طور کلی هدف از این پژوهش تدقیق حلقه های مغفول تشکیل و نضج داعش و نگاه راهبردی آنها به ترکیب عوامل جغرافیایی / قومی و مذهبی می باشد .

۲. مبانی نظری

گرچه تاکید اسلام همیشه بر پایه امت و نه ملت بوده است، ولی امروزه و در جوامع خاورمیانه ای، ناکید بر مولفه قومیت و مذهب، عامل تنشهای بسیار گشته است. گروههای تکفیری بر خلاف نگاههای رایج که تفسیر آنها را بازگشت به سنتهای اسلامی می دانند، نه برداشت ارتدکسی بلکه روایتی راست کیشی را از اسلام ارائه داده که در آن ملی گرایی و تکیه بر قوم و مذهب، موجب تضادهای حداکثری در خاورمیانه گشته است. از سویی برای داعش ژئوپلیتیک، ناسیونالیسم و مذهب، سه عنصر در هم تنیده می باشند. به صورتی که داعش گفتمان مذهبی خود را تبدیل به یک گفتمان ژئوپلیتیکی نموده است. اگر بپذیریم که ناسیونالیسم به عنوان یک ایدئولوژی ذاتاً سرزمینی محسوب می شود (Anderson, 1983, 18)، بنابراین می توان ظهور داعش و امیال ژئوپلیتیکی آن را در راستای خیزش پان عربیسم، تعبیر نمود. (Ar dovini, 2015: 1-2).

دیجینگ، معتقد است که مذهب و ژئوپلیتیک با یکدیگر در هم آمیخته اند و بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به مثابه سرزمین مقدس و جنگهای مقدس، جلوه ای از یک ویژگی ژئوپلیتیکی می باشند (Dijking, 2006, 192). خاورمیانه به عنوان نمود این تحول و خیزش اسلامی رادیکال و قلمروخواهی در بستر خود دائماً همپوشانی مذهبی و ژئوپلیتیکی را با خود به همراه دارد. داعش همچنین با توجه به فرضیه فضاهای تقسیم شده، نگرش های تقسیم شده، شکاف فضائی را بین اقوام و مذاهب در راستای توسعه ناسیونالیسم دینی خود، به وجود آورد. (O Loughlin, 2013: 1-2). با این نگاه، ناسیونالیسم، پایگاه اصلی گفتمانهای ژئوپلیتیکی از طریق سازه های قلمروئی می باشند. ویلیام و اسمیت بر این اعتقادند که ناسیونالیسم، مبارزه ای همیشگی برای کنترل سرزمین است. دیجینگ بر این اعتقاد است که جائی که منطق ژئوپلیتیکی سیستم دولتی به سوی ناکامی می رود، مذهب به عنوان یک منبع برای خوداظهاری گروهها و یا گفتمانها، بروز پیدا میکند (Dijking, 2014, 192). از سوئی بینش مذهبی در مسیحیت و اسلام به عنوان سرزمین مقدس، جنگ مقدس، یک ویژگی مشخص ژئوپلیتیکی را نشان می دهد (Dijking, 2014, 192). سید قطب بنیانگذار و ایدئولوگ اسلام رادیکال مدرن، می گوید "به باور من پیوند های میان مسلمانان و ایمان، مسنحکم تر از پیوندهای میهن پستی مبتنی بر آب و خاک است (زبیده، ۱۳۹۳). باید توجه داشت اسلام در مقام ناسیونالیسم، وابسته به سرزمین یا دولت نیست بلکه غالباً در بافت کشورهای خاص و سیاستی که دنبال می کنند، ظهور می

کند. بنابراین می توان گفت که هویت اسلامی می تواند به عنوان یک ایدئولوژی در راستای خیزش و تقویت ناسیونالیسم، وارد میدان شود. بنابراین پر بیراه نیست که، مالسویچ، هویت را به مثابه یک ایدئولوژی (Malesevic, 2006: 1) و بالطبع، ستیزهای قومی نیز می توانند بعدی مذهبی به خود بگیرند (Carolyn, 2015: 1-2). با نضج هویت عرب سنی توسط داعش، بسیاری از اعراب سنی در عراق و سوریه، خطر داعش را کمتر از تسلط دول منطقه ای پر قدرت می دانند. (Lund, 2015: 1-2). در نگاه دیگر، داعش، بیشتر یک پدیده جامعه شناختی است تا اینکه یک نیروی نوظهور ژئواستراتژیک باشد (Brynjar Lia, 2015). در نگاه مقابل می توان گفت، داعش بیشتر تحت تاثیر قدرت های ژئواستراتژیک که وجود خود را مدیون این نگاه و به جهت تاثیر در موقعیت ژئواستراتژیک با خواست و اراده غرب و مشخصاً آمریکا به یک باره به عنوان قدرتی کاملاً مسلح ظهور نمود. در واقع، داعش، نیرویی ژئواستراتژیک و کاملاً طراحی شده توسط جبهه غرب بود که از مسائل جامعه شناختی منطقه همچون اختلاف مذاهب، پان عربیسم، سلفی گری و... بهره گرفت. بنابراین استفاده و تحلیل جامعه شناسی قومی و دینی داعش می تواند، هویت این گروه نوظهور را به خوبی نشان دهد. داعش معتقد به یک نگاه آپوکالیپتیک^۳ نیز می باشد که البته این نگاه متفاوت از نگرش آخر زمانی، تشیع می باشد. ظهور فضای ژئوپلیتیکی آخر زمانی داعش به یک غیریت نیاز دارد. که نه تنها بر علیه دشمنان خلیفه، بلکه بر علیه هر مسلمانی است که خود را خارج از مسیر اسلام سنی می داند (Kardash & Yeshiltash, 2015, 76). در این راستا، داعش با تغییر نام مکانها و تمرکز بر مکانهایی مانند دابق، نشان داده است که سازه های فضایی در راستای تفکر ژئوپلیتیکی آخرالزمانی می توانند عمل نمایند (Maccanty, 2015: 1-2). بنابراین فرآیند نامگذاری نامها در ترمینولوژی مذهبی برای آنها بسیار مهم و باید با مفاهیم اسلام سنتی باز تعریف شوند، چرا که این کار باعث بازخوانش هویت های محلی سنی در راستای قانون شرع سنی می باشد. این راهبرد معرفت شناختی تغییر نامها، همچنین از منظر هستی شناختی (Ontologically)، نبرد مشروع را بر علیه دشمنان داعش توجیه می کند. به طور کلی شاخصهای اصلی ایدئولوژی داعش حول محور ویژگیهای ذیل استوار است.

- نگرش آخر زمانی از طریق فضای آنارشیسم قومی / مذهبی

- رویکرد فراملی گرایانه، قلمروخواهی و اعتقاد به سیالیت سرزمینی

- انکار و رد مظاهر سیاسی غرب مانند پدیده دولت / ملت ، لیبرالیسم ،

دموکراسی... (Al-Baghdadi, 8may, 2014)

- تعمیق نگرش ضدیت اسلام و غرب

روند هویت سازی در مناطق تجزیه شده عراق و سوریه در تشدید تنش فرقه‌ای ، تأثیری بسیار دارد که این تفرقه فرقه‌ای بر بستر ژئوپلیتیکی منطقه، باعث خلق مفاهیم جدیدی شده است (اکبری ، ۱۳۹۵ ، ۱۸) دشمن سازی علیه شیعیان، عامل مشروعیت بخش داعش در عراق و سوریه است که در تمامی سخنان آنان مشهود است. از سویی حکومت شیعی در عراق و علوی در سوریه ، پیوستگی های عمیقی با ایران دارند. لذا گسست ژئوپلیتیکی و شکاف بین این دو حاکمیت، دلیل اصلی قطع پیوستگی جغرافیایی بین عراق و سوریه بود که با استفاده از ایدئولوژی پان عرب سنی اتفاق افتاد. ایدئولوژی و ناسیونالیسم در داعش:

ایدئولوژی داعش که بر پایه ناسیونالیسم قومی و ژئوپلیتیک استوار شده با تعمیق در مناطقی از خاورمیانه حتی از خود موجودیت گروه داعش می تواند خطرناکتر باشد. بازگشت متحجرانه به سنت و عدم تساهل به تنوع دینی ، فلسفه اصلی سلفیسم می باشد (hafez,2016, 19-22) . با توجه به حدیث "الائمه من القریش" می توان یک تعبیر عربی و خاصه سنی گرایانه از این حدیث در راستای تعبیر گروه‌های تکفیری و پان عرب نمود . هم چنین، می توان ایدئولوژی داعش را تداوم پان عربیسم نامید چرا که اسلام گرایی مطمع نظر داعش به مثابه یک ایدئولوژی فراملی ، اساساً در خدمت پان عربیسم است و ناسیونالیسم عرب از همان ابتدا سایر قومیتها را به عنوان " دیگری " خود معرفی نموده است . ابومحمد العدنانی سخنگوی داعش - می گوید که داعش گروهی است که حضرت محمد (ص) ، آنرا پیشبینی کرده که برای مبارزه برای دین راستین تا آخرالزمان بچنگد. (Al-Adnani September 30, 2013). همچنین ، شیعیان بزرگترین تهدید بر علیه اهل سنت و لذا جنگ بر علیه شیعیان یک ارجحیت (January 30, 2013) (Al-Adnani, 30, 2013) و نبرد علیه رافضی ها ، تنها راه دفاع از حقوق اهل سنت است (Al-Adnani, June 15, 2013-) . همچنین یک دلالت ضمنی مبنی بر پاسخگو بودن خلیفه برای بسط قلمرویی در نگاه آنها وجود دارد (Calife, August 28, 2014) . بنابراین با این راهبرد است که می توان ، پی به استراتژی ژئوپلیتیکی و قلمروخواهی داعش برد. تصاویر ذیل بسط سرزمینی داعش را از سوریه تا عراق نشان و مشخص

۷۰ تأثیر داعش بر ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم دینی خاورمیانه

می کند ، پیشرفت جغرافیایی داعش تنها در مناطق عرب سنی صورت گرفته است .
(شکل ۱)



به طور کلی می توان ، عامل اصلی ایجاد ، بسط و گسترش داعش را می توان سه عامل
ذیل دانست :

-بین سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ ، داعش شروع به جداسازی خود از القاعده به خاطر تفاوت های
ریشه ای مانند نبرد بر علیه گروه های غیر سنی و اشاعه استراتژی خود برای کنترل
سرزمینی بر علیه شیعیان و کردها نمود.

-تهاجم امریکا به عراق و بالطبع آن جنگ داخلی در عراق که گروه های جهادی مانند
القاعده و داعش توانستند در خلاء سیاسی بوجود آمده ، دست به گسترش خود بزنند.

-ورود داعش در جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ و اعلان خلافت در
سال ۲۰۱۴ (Hersmen, 2017, 13)

۳. ژئوپلیتیک سلفی

در اختیار گرفتن فضا و قلمرو، از اهداف اساسی برای کنشگری گروه های تروریستی
می باشد. داعش با توجه به قلمرو عرب سنی، هویت عربی را با جغرافیای سنی عرب ،
تلفیق و آن را به ابزاری موثر در حوزه نفوذ خود تبدیل نموده است . به عبارتی باید
عنوان نمود که داعش چیزی بیش از یک ایده و به عنوان یگ گفتمان عمل می نماید)
حاتمی، ۱۳۹۴، ۱۵۵). از سویی، پس از فروپاشی ساختار دو قطبی و حمله آمریکا به
عراق در سال ۲۰۰۳ ، شوک های ژئوپلیتیکی شدیدی در خاورمیانه و خاصه منطقه بین

النهرین در ذیل سوژه های هویتی، فرهنگی، تمدنی و سرزمینی، قرار گرفت. این موضوعات جدید در ژئوپلیتیک پست مدرن که آثار فضائی دارد در مباحث گفتمان در ذیل عنوان قلمرو سازی گفتمانی، قابل تحلیل می باشد، به نوعی که می توان گفت اندیشه سلفیسم متقدم بر ژئوپلیتیک سلفیسم می باشد. (عبداله پور، ۱۳۹۶). دقیقه مهم در قلمرو سازی گفتمانی این موضوع است که چگونه اندیشه ها و مفروضات ژئوپلیتیک با مفصل بندی گفتمانهای خاص که دارای پیامدهای فضائی هستند با عملیاتی شدن در سپهر سرزمینی، قلمرو سازی ژئوپلیتیکی، هویتی و سرزمینی خود را به منصف ظهور می رسانند. (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴: ۱-۲). رادیکالیزه شدن دگرگونیهای خاورمیانه در سالهای پس از جنگ سرد، از طرفی ماهیتی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک دارد و این نشانه ها را می توان در رقابت ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه که ریشه در تضادهای مذهبی دارد، مشاهده نمود. از سوئی و متاثر از ژئوپلیتیک پست مدرن می توان گفت مبدا این تضادها، در ذیل نشانگان فرهنگی و هویتی قرار دارد. پیدایش گروههای تکفیری در خاورمیانه و اثرگذاری آن بر ژئوپلیتیک منطقه از نشانه های فرهنگی و هویتی، نشات می گیرد. بحران جدید در خاورمیانه و نقش گروههای سلفی تندرو را می توان، بازتاب تضادهای هویتی در فرایند رقابت ژئوپلیتیکی سوژه ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی منطقه دانست. در این فرایند، بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای، هدفهای ژئوپلیتیکی خود را با سازو کارهای هویتی، پیگیری می نمایند. البته در دوگانه شیعی و سنی و تقویت شکاف بین این دو مولفه، حکومتهای عرب منطقه، با اغراق حداکثری، بسط ژئوپلیتیک شیعه را مطرح می نمایند. با این تفاسیر، گروه دولت اسلامی عراق و شام یا داعش با مفصل بندی مجموعه ای از گزاره های هویتی عنصر عرب سنی، خود را به عنوان نماینده پان عربیسم سنی در منطقه خاورمیانه، معرفی نمود که بعضاً از سوی ساختارها و عشایر عرب سنی نیز ولو به صورت شناسایی غیررسمی، تقویت شده است. داعش که انشعابی از القاعده به خاطر فقر در راهبردهای القاعده بر علیه دشمنان غیر سنی در خاورمیانه است (Hermesen, 2017, 13) در اوت ۲۰۱۴ و به دنبال قلمرو سازی ژئوپلیتیک در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم مرز با عراق در نواحی دره فرات و عرب سنی، اعلام موجودیت نمود. در حالی که، دیگری برای القاعده، غرب، می باشد. داعش، هدف اصلی خود را حذف عنصر شیعی در منطقه و سپس رویارویی با غرب و اسرائیل می داند. ابو مصعب زرقاوی از بنیانگذاران القاعده در عراق، بر این اعتقاد بود که

آمریکائیان ، شیعیان ، کردها و گروههای حامی حکومت شیعی در عراق، دشمنان اصلی اعراب سنی ، و شیعیان مهمترین دشمن آنها می باشند . بنابراین و در این راستا ، داعش نیاز به بسط ژئوپلیتیکی و به خصوص دسترسی به قلمرو بین النهرین و جغرافیای انرژی و قومی منطقه دارد . همانطور که اشاره شد دیجکینگ بر پیوند میان مذهب و ژئوپلیتیک ، اشاره می کند و فاکت هائی از جنگهای مقدس و مکانهای مقدس را در تاریخ ادیان به نمایش می گذارد ، علی ایحال در دوران مدرن ، جوشش ژئوپلیتیک و مذهب ، غالباً توسط کنشگران غیر دولتی و سوژه های ژئوپلیتیک صورت می گیرد (عبدالله پور و قادری ، ۱۳۹۴) . چرا که این هم پوشانی جایگزین مناسبی برای داعشی است که اعتقاد به پدیده دولت / ملت کلاسیک و جغرافیای مرزی قرن بیستمی ندارد . در این جا است که رهبران داعش از ژئوپلیتیک مذهب (Religepolitics) به مثابه یک انگیزه برای بسیج عمومی استفاده می کنند . چرا که برای توده ها، مذهب به مثابه فرار از واقعیت خشن زندگی روزانه و نوید صلح به جای جنگ است .

۴.۴. داعش و ناسیونالیسم دینی

داعش با مفصل بندی مجموعه ای از گزاره های هویتی عنصر عرب سنی ، خود را به عنوان نماینده پان عربیسم سنی در منطقه خاورمیانه ، مطرح که بعضاً از سوی ساختارها و عشایر عرب سنی نیز ولو به صورت دوفاکتو، تقویت شده است (mabon and Ardivini,2015) . از سوئی ، داعش به عنوان یک سازمان تروریستی می تواند موجب اغتشاش و آشوب منطقه ای را فراهم سازد و بقای خود را در این فضا بهتر تأمین کند. در نتیجه ، بقای ژئوپلیتیکی داعش دربردارنده چالش های ژئوپلیتیکی برای سایرین خواهد بود. داعش که در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت تسنن معرفی کرده توانسته ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داده است در این راستا داعش توانسته است خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه تثبیت بنماید. ظهور این پدیده ، چالشهای ژئوپلیتیکی را در منطقه بین انهرین بوجود آورده که اهم آن به شرح ذیل میباشد.

- جغرافیای جمعیتی بین انهرین را بهم ریخته است
- باعث تشکیل دیاسپوراهایی گشته که در آینده نزدیک بر ساختارهای فکری و مرز بندی عقیدتی منطقه تا ثیر گذار است .

- دو قطبی شیعه سنی را در خاور میانه تقویت نموده است .
- علاوه بر کار گزاری ژئوپلیتیکی خود، موجد کار گزاری کردهای سوریه و حزب اله گشته است.
- ظهور داعش باعث صف گیری های ژئوپلیتیکی جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیکی مستقر در منطقه شده است.
- پدیده داعش باعث ظهور تعارضات هویتی در منطقه شده است .
- توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه ای را دچار چالش نموده است .

۵.۵. داعش و دیاسپورا

یکی از عوامل نضج اندیشه و تفکرات داعش ، دیاسپورای عرب می باشد . با نگاهی به افراد ملحق شده به داعش از کشورهای اروپائی و یا خارج از خاورمیانه می توان به اهمیت عامل دیاسپورا در دو بعد تئوریک و پراتیک در پیشبرد آمال داعش ، اشاره نمود . ماوارودی ، دیاسپورا را به عنوان یک فرآیند برای ساختن و یا تخریب مرزها می داند (Mavarody, 2007,470) . شرکت گوگل در گزارش خود که در فوریه سال ۲۰۱۶ ، منتشر شد نشان داد که بالغ بر ۵۰/۰۰۰ نفر هر روز جمله " پیوند با داعش " را جستجو نموده اند و این موضوع نشان دهنده استفاده قوی داعش از رسانه های اجتماعی و قابلیت های مجازی است ، موضوعی که مرکز رسانه ای داعش یعنی الحیات ، این موضوعات را هدایت ، مدیریت ، تولید و توزیع می نماید (Berrada and Boudier, 2016, 2-13) . بنابراین رسانه های مجازی ، اصلیتین عامل نضج تفکرات داعش و پیوستن نیروهای عرب مسلمان از غرب می باشد (شکل ۱) . همان طور که هاسکینز می گوید ، می توان از دیاسپورا با عنوان یک دکترین مذهبی نام برد (Hoskins, 2011) . چرا که دیاسپورا ، حس نوستالژیک مذهبی را تقویت می نماید . از سوئی باید عنوان نمود که ناسیونالیسم در دیاسپورا صورت می گیرد و جوامع دیاسپورا تاثیر زیادی بر روی گفتمان و سیاست های سرزمینی می گذارند (عبدالله پور و قادری ، ۱۳۹۴ ، ۵۴) . دیاسپورا فرصت های زیادی را برای جامعه دیاسپوریک قرار می دهند به طوری که افراد دیاسپورا با استفاده از فن آوری در گفتمان ملی شرکت می نمایند . (حاتمی ، ۱۳۹۵ ، ۶۶) این شرکت از طریق اینترنت و ابزارهای آن مانند ایمیل، وب سایت و.... نهادینه می گردد. بطبق تحقیقات ، اصلی ترین و مهمترین عنصر برای استخدام نیروهای دیاسپورا توسط داعش با ابزار مجازی صورت گرفته است . بنابراین

آنها از این طریق به خلق یک گفتمان ملی گرا سهیم می‌شوند. وکتوریا برنل، به تاثیرات متقابل دیاسپورا، فضای مجازی و تصویر سازی اشاره می‌کند. او استفاده از فضای مجازی برای تئوریزه نمودن راههای فرا ملی گرایانه و رسانه های جدید وابسته به خیزش اشکال جدیدی از اجتماع (community)، حوزه های عمومی (public sphere) و جایگاههای تولیدات فرهنگی اشاره می‌نماید. همچنین از اینترنت به عنوان یک ابزار اساسی برای استقلال ملی که درگیر با هویت، دموکراسی، فرهنگ و تاریخ جوامع دیاسپورا است، یاد می‌کند. (Bernel, 2006, 161-179). بنابراین رویکرد اصلی دیاسپورا تمرکز خود را بر روی هویت جمعی (Collective Identity) قرار می‌دهد (Bauboker, 2004, 21). از سوئی افراد در دیاسپورا به عنوان یک بازیکن مجازی در یک بازی مرگبار عملی نمایند. گرچه جوامع دیاسپورا از خطرات سرزمین اصلی آگاه نیستند، در اینجا دو گروه مختلف در داخل و دیاسپورا دستور کارهای متفاوتی دارند. جول دیمرز، اشاره می‌کند که گروه داخل سرزمین اصلی، تجربه، ترس، گرسنگی، فشار روانی و درد را می‌فهمد همانطور که از لحاظ جسمی نیز در ستیز و تعارض درگیر است، در همین حال گروه دیاسپورا، احساس، خشم و از خود بیگانگی را درک می‌کند (Dimmers, 2002). این تفاوتها بر نگرش هر دو گروه تاثیر دارد، بنابراین اهداف دو گروه متفاوت است، اما با توجه به درجه بالائی از ارتباط، نسبتی معنادار در هدف بین آنها دارد. مناطق و سرزمین های دیاسپورا، باید در چند گام مورد ارزیابی قرار گیرند. نخست در کشور میزبان که پیوند اجتماع دیاسپورا، نقش مهمی را ایفاء می‌نماید. سپس در کشور و یا سرزمین مبداء که یک قطب جاذبه (pole of attraction) از طریق حافظه بوجود می‌آید. در نهایت این که از طریق سیستم رابطه ای در فضای شبکه ای است که این قطب های مختلف به یکدیگر متصل می‌شوند (Cohen 1997 ; Sheffer 2003). به علاوه درجه ای از آسیب پذیری در کشورهای دارای جوامع دیاسپوریک وجود دارد. این آسیب پذیری، ناشی از اتصال این دولتها بر پایه های ایدئولوژیک است. دیاسپورا و دیاسپوراها، ملت های رها شده ای هستند که درصد بازخوانش دوباره فضا در اشکال جدید می‌باشند. دیاسپوراها در جایی بین دولت - ملت ها و فرهنگ های مهاجرتی قرار گرفته اند که شامل سکونت در یک دولت - ملت و در یک مفهوم فیزیکی هستند، اما مهاجرت در یک حس معنوی که در فراسوی فضای دولت - ملت و زمان قرار دارد. (Cohen, 1997, 135-6) دیاسپوراها معاصر نیز به مثابه موقعیت های فراسوی زمان - فضا و فراتر از شیوه های واقع شده

مکانی و تجارب تاریخی زندگی قرار دارند . (Mitchell, 1997, 534) به علاوه باید عنوان نمود که دینامیزم جوامع دیاسپوریک در چهار سطح محلی ، ملی ، منطقه ای و بین المللی ، قابل تحلیل و بررسی است . و این همان چیزی است که ناسیونالیسم از دور (Longdistance nationalism) ، و یا درنوردیدن جغرافیا و فضا در دیاسپورا نامیده می شود . (عبدالله پور ، پیشین ، ۷۶) .

دینامیزم سطوح جامعه دیاسپوریک در تقویت داعش (جدول ۱)

سطوح	مصادق	کارکرد
محلی	عشایر عراق و سوریه (آل جبور ، شمر و ...)	پیاده نظام داعش / تولید عصیت / قلمروخواهی و تعدی به سایر اقوام
ملی	اعراب سنی ساکن در مناطق تلفیقی و نمایندگان عرب سنی در پارلمان	تبلیغات به نفع اعراب سنی / تعمیق فقر حکمرانی ساختار شیعی /
منطقه ای	کشورهای خاورمیانه ای و قفقاز	پیاده نظام / شبکه سازی
بین المللی	نیروهای جذب شده در آمریکا ، اروپا و استرالیا	شبکه سازی / تروریسم بین الملل / ناامن نمودن فضای کشورهای غربی

درصد عضوگیری داعش از دیاسپورای مسلمان در کشورهای غربی: (جدول ۲)

نام کشور	جمعیت مسلمان	ملحق شده به داعش
فنلاند	۴۲ هزار	۷۰
بلژیک	"۶۳۸"	۴۷۰
ایرلند	"۴۳"	۳۰
سوئی	"۴۵۰"	۳۰۰
اتریش	"۴۷۵"	۳۰۰
نروژ	"۱۴۴"	۸۱
دانمارک	"۲۲۶"	۱۲۵
فرانسه	۶ میلیون	۱۷۰۰
روسیه	۹/۴۰۰	۲۴۰۰
انگلیس	۱/۶	۷۶۰
آمریکا	۵ میلیون	۲۰۰
آلمان	۳ میلیون	۸۰۰

آمارها نشان می دهد ، که نیمی از اعضای داعش به کشورهای خود برگشته اند ، مادامیکه بسیاری از آنان در نبرد داعش علیه ساختارهای منطقه ای کشته شده اند . البته جیمز کومی رئیس اف بی آی از دیاسپورای تروریسم برای آنها به عنوان یک خطر برای غرب یاد کرد (, sept.27,2016, comey) بنابراین در خصوص تأثیر دیاسپورا بر دولتهای میزبان نیز باید عنوان نمود که فراسوی ضریب نفوذ در سیاستهای سرزمین اصلی، جوامع دیاسپورا، سیاستهای کشور خود را نیز تحت تأثیر قرار می دهند. (عبداله پور و دیگران ، ۱۳۹۶ ، ۸۵).

۶. نتیجه گیری

در تحلیل پیدایش و بسط داعش ، متغیرهای مهمی مانند ایدئولوژی ، ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم مذهبی ، می توانند راهنمای خوبی برای تحلیل این گروه تروریستی باشند. داعش با تشکیل یک شبه دولت و یا یک نیمه دولت ، خود را محتاج به قلمرو خواهی در عمق سرزمینی عرب سنی و بالطبع تلفیق ملی گرائی عرب و ژئوپلیتیک ، می داند. با همپوشانی متغیرهای مذکور ، داعش سیر صعودی خود را در منطقه بین النهرین شمالی ، طی و جغرافیای سرزمینی این مناطق را از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ ، تصرف نمود. بدنبال تقویت نیروهای مردمی در عراق ، تقویت جبهه مقاومت در سوریه و فقر منابع مالی و تئوریک داعش از ابتدای سال ۲۰۱۶ ، روند رو به افول ، داعش در مناطق اشغالی شروع شد. با فتح قلمروهای اشغالی داعش توسط ارتش سوریه و عراق ، می توان پایان موجودیتی به نام داعش را در خاورمیانه اعلام نمود . اما پایان داعش ، پایان دوران تروریسم سلسله مراتبی و آغاز دوران تروریسم شبکه ای است . این آغاز دو دقیقه مهم دارد. در بعد داخلی ، داعش ، علاوه بر در هم ریختن جغرافیای جمعیتی بین النهرین ، باعث تقویت دو قطبی شیعه / سنی ، باعث ظهور تعارضات هویتی شده است . لذا چرخه فضای تعارض که از تفاوت به تناقض ، قطبی شدن و خشونت به جنگ رسیده است ، بعید است که مسیر خود را به آتش بس ، توافق ، عادی سازی و در نهایت به آشتی بین مذاهب و اقوام ، حداقل در کوتاه مدت تغییر دهد . (عبداله پور ، ۱۳۹۶) جنگجویان داعش به طور کلی دو دسته اند . اعراب سنی در عراق که همیشه و در هر حالتی ، غیریت شیعیان و کردها می باشند و در آینده تعارضات مذهبی / قومی عراق با داعش و بی داعش حضور دارند و خارجی های داعش که با شکست در عراق ، شبکه های ترور را جهت جذب سمیات و اقدامات تروریستی ، فعال میکنند ، به عبارتی داعش عراق / سوریه محور را تبدیل به داعش خاورمیانه محور ولی با اقدامات سلولی و شبکه ای ، مینمایند . این اقدام با توجه به ضعف امنیتی کشورهای عرب

منطقه در راستای منافع سرویس های امنیتی غربی ، خاصه سیا و موساد خواهد بود . (همان) اما ، تفکر داعشی ، با از میان رفتن داعش ، از بین نخواهد رفت ، چرا که ذائقه تعارض دینی / قومی در عراق و مناطق تحت تصرف سابق داعش ، ریشه دوانیده و کشورهای شیخ نشین نیز از درون تفکر داعش ، فرصت های تعارض آمیز جدیدی را جهت بحران در مناطق عراق و شامات ، استخراج می نمایند . داعش که محصول القاعده است در اوت ۲۰۱۴ و به دنبال قلمروسازی ژئوپلیتیک در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم مرز با عراق و کنترل تمام سرزمین شمال دره فرات و عرب سنی ، اعلام موجودیت نمود . در حالی که ، دیگری (Otherness) برای القاعده، غرب ، می باشد . داعش ، هدف اصلی خود را حذف عنصر شیعی در منطقه و سپس رویارویی با غرب و اسرائیل می داند . ابو مصعب زرقاوی از بنیانگذاران القاعده در عراق ، بر این اعتقاد بود که آمریکائیان ، شیعیان ، کردها و گروههای حامی حکومت شیعی در عراق ، دشمنان اصلی اعراب سنی ، و شیعیان مهمترین دشمن آنها می باشند . بنابراین و در این راستا ، داعش نیاز به بسط ژئوپلیتیکی و به خصوص دسترسی به قلمرو بین النهرین و جغرافیای انرژی و قومی منطقه دارد . به عبارتی از آنجائی که ، داعش یک شبه دولت است ، نیاز به قلمرو و جمعیت دارد . از سوئی ، داعش با نگاهی ساختار شکن از مدل کلاسیک گروههای سلفی ، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را به عنوان منطقه هدف خود قرار داده است . گرچه این گروه سلفی ، مولود القاعده می باشد ولی با نگاهی متفاوت و ساختار شکن از مدل کلاسیک القاعده ای ، کلیت قلمرو سنی خاورمیانه را مطمع نظر خود دارد . تحولات منطقه خاورمیانه بدون درک ملاحظات ناشی از تغییرات ژئوپلیتیکی آن میسر نخواهد بود و این تغییرات ریشه در ظهور داعش دارد . گروه تروریستی داعش تفاوت اندکی از حیث ایدئولوژیکی با سایر گروههای رادیکال دارد اما از حیث جغرافیایی ، با سایرین تفاوت عمده ای دارد به این نحو که درحالی که گروه های تروریستی نظیر القاعده ، مقید به زمان و مکان هستند؛ داعش توانسته خودش را به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک تعریف کند که تقریباً نواحی مشخصی از دو کشور عراق و سوریه را در کنترل خود دارد و این مسئله در کنار برخورداری از قدرت جذب نیروهای متفرق چریکی و بهره مندی از تشکیلات و ساختار تروریستی در منطقه می باشد . اگر چه بقای این گروه و توسعه متصرفات ارضی آن به دلایلی چون حملات هوایی ائتلاف ، مشکلات پیش رو در کردستان عراق و توان ضدحمله و مقابله مؤثر ارتش عراق کاملاً نامشخص است . علیرغم موجودیت جدید داعش ، طبیعت سرزمینی آن سبب شده است تا نتوان آن را نادیده گرفت و در نتیجه ، دولت ها مجبور به بازیابی سیاست ها و روابطشان با یکدیگر شده اند . در این وضعیت ، عراق و سوریه

تنها طرف هایی نیستند که مجبور به برخورد و مقابله با داعش هستند؛ سایر قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، ایران و عربستان نیز نیازمند ارزیابی مواضع شان در این زمینه هستند. با این تفاسیر در پایان سال ۲۰۱۷، داعش تمامی قلمرو خود را در عراق و سوریه از دست داده است ولی با تقویت دوقطبی شیعه / سنی و کرد / عرب، بستری را برای فضاهاى تجزیه شده در آینده منطقه، بوجود آورده که بر شکافهای قومی و مذهبی، سوار شده است. اما در بعد خارجی غرب به نهادهائی همچون داعش نیاز دارد، چرا که اساساً سیاستهای خاورمیانه ای غرب بر روی گسلهای قومی / مذهبی خاورمیانه و در راستای منافع خود استوار است، منافعی که متأسفانه دول خاورمیانه ای و افکار فئاتیک / تئوکراتیک / الیگارشیکی نیز بر طبل آن می کوبند. بودجه چند تریلیارد دلاری دولت ترامپ نیاز به شورش های قومی / مذهبی در خاورمیانه و فروش تسلیحات به واحدهای فرتوت جغرافیایی آن دارد و در این راستا، اسرائیل نقشی متعین در این پازل دارد. در پایان باید گفت از آنجا که خاورمیانه خاستگاه ادیان الهی و دارای یک جغرافیای خالق است، لذا عقاید ارتدکسی در حوزه دین با خوانشی تحریف مآبانه که البته از چاشنی سلفیسم و غرب، باردار می شوند، خطری دایم التزاید را برای جغرافیای دینی / قومی / هویتی و سرزمینی منطقه بوجود می آورند. بنابراین، پایان داعش، آغازی بر تشکیل فرقه های جدید قومی / دینی داعش مآب در راستای تغییر در مرزهای عقیدتی / هویتی و سرزمینی خاورمیانه ای است.

پی نوشت

۱ تحریف قرائت راست کیشانه از اصول و مبانی یک نحله فکری و در این تحقیق، مراد از این واژه، تحریف مبانی اسلام واقعی توسط داعش، می باشد. به طور کلی واژه هیتروداکسی، بازخوانش و تجدید نظر طلبی در قرائت ارتدوکسی پدیده ها ف می باشد

۲ جمعیت مهاجری که به دلایل ناخواسته از سرزمین خویش مهاجرت می کنند و در سرزمین دیگری ساکن می شوند

۳ آپوکالیپس در لغت بمعنای ادبیات مکاشفه ای است و بعنوان یک سبک یا نوع ادبی در حوزه متون دینی و عرفانی مطرح است که از قرن دوم میلادی توسط علمای یهود در جنبه های سمبلیک و رمزیش رواج یافت.

منابع

اکبری، جواد (۱۳۹۵)، چگونگی نقش آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه، جستارهای سیاسی معاصر، بهار ۹۵

حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، *خوانش جغرافیایی از دیاسپورا*، (۱۳۹۵)، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل

حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، *شکل گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن*، (۱۳۹۴)، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل

زبیده، سامی (۱۳۹۳)، *اسلام و ناسیونالیسم: تداوم ها و تناقض ها*، مترجم: فرهاد قربانی زاده در سایت تحلیلی (problemicaa.com)

عبداله پور، محمدرضا، داعش، از تروریسم سلسله مراتبی به تروریسم شبکه ای، روزنامه شرق ۱۳۹۶/۴/۲۲

عبداله پور، محمدرضا و قادری، رحیم (۱۳۹۴)، *سوژگی ژوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین النهرین شمالی*، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، زمستان ۹۴

عبداله پور، محمدرضا، محسنی، علی و رسته، داوود (۱۳۹۶)، *دیاسپورا و خیزش ناسیونالیسم کرد با تاکید بر مدل های تعارض*، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، بهار ۱۳۹۶

- A.Lund, Who are the Pro-Assad Militias? , *Carnegie Endowment*, 2 March 2015. www.carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=59215. Accessed 16 June 2015. Amsterdam.
- Anderson, Benedict (1983), *Imagined Communities: Reflections on the Origins and Spread of*
- Anderson, Benedict (1992b) *Long-distance Nationalism: World Capitalism and the Rise of Identity Politics*. Wertheim Lecture: University of
- Bernal. V. (2004) *Eritrea goes global: reflections on nationalism in a transnational era* , *Cultural Anthropology*, 19, 3° 25.
- Bernal , V . 2006, *Diaspora, cyberspace & political imagination the Eritrean Diaspora on line* , global network 6.2ISSN:1470-2266
- Brenner, N. (1999), *Globalization as reterritorialization: The re-scaling of urban governance*
- Brubaker, R. W. (2004), *Ethnicity without Groups*. Cambridge: Harvard University Press.

- Brynjar Lia, Understanding Jihadi Proto-States, *Perspective on Terrorism*, Vol. 9, No 4 (2015), pp. 31-41.
- Carolyn C. James.S. () Religion as a Factor in Ethnic Conflict: Kashmir and Indian Foreign Policy Department of International Studies and Political Science, Stephens College, Columbia, MO, USA Department of Political Science, University of Missouri, Columbia, MO, USA
- Cohen, R. (1997), *Global Diasporas: An Introduction*. London: UCL Press.
- comey,james, sept.27,2016 , www.politico.com/story/2016/09/islamic-state-diaspora-james
- Demmers, J. 2007. New Wars and Diasporas: Suggestions for Research and Policy. *Journal of Peace, Conflict and Development*, Vol. 11, 1-26. ESSEC BUSINESS SCHOOL in the European Union , *Urban Studies* 36 (3): 431-451.
- FPC Briefing: *Daesh*, Geopolitics and the Resurgence of Pan Arabism? Dr Simon Mabon and Lucia Ardovini, the foreign policy center
- Hafez, Muhammed M., Tactics, *Takfir*, and anti-Muslim Violence , in Moghadam, Assaf and Fishman, Brian, *Self-Inflicted Wounds: Debates and Divisions Within al-Qa'ida and its Periphery*, (Combatting Terrorism Center at West Point: NY), Published: 2010-12-16, p. 19-22.
- Hermesen , Tom Jan (2017) , Master International Relations: International Studies Crisis by ISIS ,An analysis of ISIS s use of violence for its revolution
- Kenza BERRADA , Marie BOUDIER (2016) Can ISIS s cyber strategy really be thwarted?
- Mabon, Simon (2013), *The Middle Eastern great game* , available at: <http://www.isn.ethz.ch> .Nationalism. London: Verso.
- MAVROUDI, E., 2007. Diaspora as process: (de)constructing boundaries. *Geography Compass*, 1 (3), pp. 467-479
- Mc Canty,w.(2015) . *The ISIS Apocalypse: The History, Strategy, and Doomsday Vision of the Islamic State*, St. Martin s Press
- O Loughlin.J. (2013) , Divided Space, Divided Attitudes? Comparing the Republics of Moldova and Pridnestrovie (Transnistria) Using Simultaneous Surveys, Institute Of

Behavioral Science, EURASIAN GEOGRAPHY AND ECONOMICS
VOL.54,NO.2,2013

Sakarya University, Turkey Insight Turkey Vol. 17 / No. 3 / 2015, pp. 65-83

Sheffer, G. (1995), The emergence of new ethno-national diasporas , Migration 28: 5-28.

Sheffer, G. (2003), Diaspora Politics: At Home Abroad. Cambridge: Cambridge University Press.

Sheffer, G. (ed.) (1986), Modern Diasporas in International Politics. London: Croom Helm.

Yishiltash.M and KardashT. .(2016) .The New Middle East, ISIL and the 6th Revolt Against the West-To see more discussion about the ISIL s apocalyptic vision of world politics,

